



مشکلی هایی برای والدین (۷)

هیچ فردی نیست که دست اندازها و تکان های موجود در جاده ی رشد، از نوزادی تا نوجوانی را تجربه نکرده باشد. هر چند که هر کودکی ویژگی های خاص خود را داشته و به عبارتی منحصر به فرد می باشد، اما بعضی وقتها کودکان احساس ها، هیجان ها و رفتارهایی دارند که سبب بروز مشکلاتی برای خود و اطرافیان شان می شود. مشاهده ی تغییرات ناگهانی در رفتار فرزندان مانند، اضطراب، شب ادراری، افسردگی، تغییر عادت های مربوط به خوردن و خوابیدن، ناخن جویدن، کم توانی ذهنی، مشکلات یادگیری، کم توجهی، بی دقتی، بیقراری، دزدی، فرار از مدرسه، ناتوانی در برقراری روابط دوستانه با دیگران، عدم تفاهم با اعضای خانواده، گرایش به مواد مخدر و بسیاری از موارد دیگر، اغلب باعث نگرانی والدین می شود.

با توجه به رسالت نشریه ی تعلیم و تربیت استثنایی که همانا آشنا ساختن مخاطبان خود با مسایل علمی آموزشی و توان بخشی کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه می باشد و با در نظر گرفتن این که قشر زیادی از خوانندگان این نشریه والدین هستند، در هر شماره اطلاعاتی در مورد یکی از مشکلات کودکان، به زبان ساده و فشرده در اختیار آنها قرار می دهیم.

هر چند که، معتقدیم این مطالب برای معلمان، مشاوران، مددکاران اجتماعی، مربیان بهداشت مدارس، دانش جویان و سایر علاقه مندان به امور کودکان با نیازهای ویژه نیز مفید خواهد بود.

انشاء الله

آنچه باید والدین درباره ی عقب ماندگی ذهنی کودکان بدانند

مترجم: فاطمه سفید مقدم اکبری
کارشناس کودکان استثنایی

بود. متخصص کودکان یا روان پزشک کودک و نوجوان می تواند نتایج ارزیابی های به عمل آمده را جمع بندی نماید . هر کدام از متخصصان فوق می توانند کودک را جهت مشاوره و انجام آزمون های لازم به افراد ذی صلاح ارجاع داده و پس از جمع آوری نتایج به اتفاق والدین کودک و اولیای مدرسه برنامه ی جامع آموزشی و درمانی او را طراحی کنند .

**در حال حاضر ، عقیده بر این است که کودکان
عقب مانده ی ذهنی در کنار اعضای
خانواده ی خود زندگی کنند تا به کمک آن ها
مهارت های اجتماعی را کسب نمایند .**

اختلال های عاطفی و رفتاری نیز ممکن است با عقب ماندگی ذهنی همراه شده و مانع پیشرفت کودک شود . بیشتر کودکان عقب مانده ی ذهنی به خوبی می دانند که از سایر همسالان عقب ترند . احتمال دارد بعضی از آن ها دچار اضطراب ، یأس و ناامیدی شده و کناره گیر شوند در حالی که برخی دیگر ، برای جلب توجه دیگران کارهای بد و ناشایست انجام دهند . ممکن است نوجوانان و جوانان عقب مانده ی ذهنی دچار افسردگی شوند . این افراد به دلیل ضعف در مهارت های کلامی احتمالاً نمی توانند درباره ی احساس های خود با دیگران صحبت کنند و افسردگی شان به صورت مشکلات رفتاری و مشکلات مربوط به خوردن و خوابیدن متجلی می شود . تشخیص سریع و به موقع اختلال های روان پزشکی در کودکان عقب مانده ی ذهنی منجر به مداخله ی زود هنگام می شود . دارو درمانی تنها بخشی از درمان و اداره ی کودک عقب مانده ی ذهنی است . انجام مشاوره های ادواری با روان پزشک کودک و نوجوان به والدین کمک می کند تا در تعدیل انتظارات خود از کودک ، شناخت محدودیت ها ، فرصت های موفقیت ، و سایر معیارهایی که به فرزند آن ها کمک می کند تا بر فشارهای روانی ناشی از رشد غلبه کند ، آگاهی یابند .

واژه ی عقب ماندگی ذهنی جنبه ی توهین آمیز داشته و اغلب به درستی نیز شناخته نشده است . بعضی ها گمان می کنند عقب ماندگی ذهنی تنها بر اساس بهره ی هوشی کمتر از نرمال (عادی) تشخیص داده می شود ، و بنابراین آنهایی که عقب مانده ی ذهنی شناخته می شوند نه می توانند چیزی یاد بگیرند و نه می توانند از خود مراقبت کنند . در حقیقت برای این که فردی عقب مانده ی ذهنی شناخته شود باید که هم به لحاظ بهره ی هوشی و هم به لحاظ رفتار سازشی به طور قابل ملاحظه ای پایین تر از حد نرمال (بهنجار) باشد . به هر حال ، اکثر کودکان عقب مانده ی ذهنی می توانند به میزان زیادی یاد بگیرند و در بزرگسالی نیز در زندگی خود تا حدودی به استقلال نسبی برسند . ولی آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که ، آن ها می توانند مانند سایر مردم از زندگی خود لذت ببرند . در گذشته ، معمولاً به والدین توصیه می شد که کودکان عقب مانده ی ذهنی خود را به موسسه های شبانه روزی بسپارند . ولی امروزه دیگر چنین توصیه ای به آن ها نمی شود . در حال حاضر ، عقیده بر این است که کودکان عقب مانده ی ذهنی در کنار اعضای خانواده ی خود زندگی کنند تا به کمک آن ها مهارت های اجتماعی را کسب نمایند .

**اختلال های عاطفی و رفتاری نیز ممکن است با
عقب ماندگی ذهنی همراه شده و مانع**

پیشرفت کودک شود

ممکن است عقب ماندگی ذهنی با برخی از مشکلات جسمی و عاطفی دیگر همراه باشد . برای مثال ، کودک مشکلات بینایی ، شنوایی و یا گفتاری نیز داشته باشد . این مسایل همگی می توانند توانایی های بالقوه ی کودک را کاهش دهند .

برای شناخت دقیق توانایی ها و ناتوانی های کودک باید ارزیابی جامع ای از او به عمل آید . چون هیچ متخصصی به تنهایی تخصص کافی برای ارزیابی همه جانبه ی کودک را ندارد ، لذا باید ارزیابی او توسط گروهی از متخصصان رشته های مختلف صورت پذیرد . بررسی های جامع پزشکی بویژه در زمینه های عصب شناختی ، روان شناختی ، روان پزشکی ، آموزش ویژه ، شنوایی سنجی ، بینایی سنجی و گفتار درمانی ضروری و بسیار مفید خواهد



American Academy of Child & Adolescent
Psychiatry (updated 8/99). AACAP facts for families #
23 Children with mental retardation [online]. Available:
<http://www.aacap.org/publications/factsfam/mr.htm>

منبع